

گروه سینما  
گفت و گو

**حامد بهداد از جمله بازیگرانی است که شاید همیشه دست پر از فجر نرود اما همیشه دست پر به جشنواره فجر آمده است. او این بار در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر با دو فیلم «قصر شیرین» ساخته رضا میر کریمی و «جان دار» به کارگردانی پدram پورامیری و حسین امیری دوماری حضور دارد؛ فیلم‌هایی که تا به امروز توانسته‌اند نظر مثبت منتقدان و مخاطبان را جلب کنند. با حامد بهداد به بهانه حضور در خشان و پررنگش در جشنواره فجر، گفت و گویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.**



حامد بهداد از «جان دار» به «صبا» می‌گوید

**نتیجه خوبی در راه است**

و این پختگی در آن اثر نمایان شود. یک فیلم می‌تواند تورا وارد فازی جدید کند اما بلوغ، رشد و پختگی را فقط و فقط زندگی به تو می‌دهد.

**که مسلما برای رسیدن به آن، سیری طی می‌شود!**

یکی از چیزهایی که می‌توانی در این سیر تجربه کنی سقوط، ناکامی، رنج و شکست است. این‌ها یا تورا می‌کشد یا به تو انگیزه می‌دهد برای بلند شدن و بهتر شدن!

**شما سال‌ها پیش در فیلم «کسی از گربه‌های ایرانی خبر ندارد» بازی کردید؛ فیلمی با هزینه و برخاسته از سینمای مستقل اما پس از آن تجربه حضور در فیلم‌های بیگ-پروداکشن را نیز داشتید. «جان دار» نیز فیلمی از سینمای مستقل است، خودتان تا چه اندازه دغدغه حضور و فعالیت در سینمای مستقل را دارید؟**

باید همه فضاها را تجربه کرد فقط باید با کسانی کار نکرد که خائن به انسانیت و اهداف مقدس انسانی هستند، کسانی که علیه عشق و انسانیت هستند و به عبارتی خودفروخته هستند. باید با همه اقشار هنرمندان کار کرد چرا که از تجربه همکاری با آن‌ها و قیاس میان‌شان، من نیز به شناخت جدیدی می‌رسم.

**بر مبنای تجربه همکاری با نسل‌های مختلف سینمای ایران، نگاه و حضور نسل جدید را به نسبت نسل قبل چطور می‌بینید؟**

استحکام و سواد که در نسل قبل وجود دارد طبیعتا در نسل جدید وجود ندارد. نسل جدید انرژی عجیب و غریبی دارد. طبیعت یک گیاه را در نظر بگیرید، ببینید چه زیباست اما به تنومندی یک درخت که نسلال فکر کنید، استحکام آن مجذوب‌تان می‌کند. نسل قدیم بسیار باسواد بودند و با جهان تعامل بسیار خوبی داشتند اما نمی‌شود از ایده‌پردازی نسل جوان صرف‌نظر کرد. نسل جوان حرارت و تمپو بالاتری دارند و فضیلت آن‌ها، این است که زنده‌تر بوده و به زندگی نزدیک‌ترند. اما لزوما سواد و استحکام آن از نسل قبل بیشتر نیست.

**اما تا به امروز از دید مخاطبان، «جان دار» فیلم قابل قبولی بوده است، کما این که برخی از عدم حضور فیلم در بخش سودای سیمرغ گله کردند، شما عدم راه یافتن فیلم به بخش سودای سیمرغ را تا چه اندازه بحق می‌دانید؟**

هر فیلمساز و هنرمندی که در سینما کار می‌کند باید به این ناکامی‌ها، عدم تاییدها و... عادت کند. خیلی مواقع تایید نمی‌شوی، اخراج می‌شوی، حقت خورده می‌شود، نفر اول نمی‌شوی و... باید مثل جریان زندگی به آن عادت کنی و خودت را تطبیق دهی! فکر می‌کنم برای فیلم «جان دار» نتیجه خوبی در راه باشد.

**اما «جان دار» در کارنامه کاری شما چه جایگاهی دارد؟**

یکی از ویژه‌ترین بازی‌هایم را در این فیلم داشتیم، نقش عجیبی را در «جان دار» بازی کردم. دست به گسترش شخصیتی زدم که اصلا جذابیت ندارد. آدمی را توسعه دادم که بسیار معمولی است و وجوهات نمایشی اندکی دارد. برخی کاراکترها مثل یک شخصیت معتاد، بیمار روانی و... دارای پارامترهای متعددی برای ایفا هستند. اما در این فیلم کاراکتری را بازی کردم که بسیار معمولی است من به عنوان بازیگر این کاراکتر نادیدنی را توسعه دادم تا در سینما برای مخاطب دیدنی شود.

**یادم می‌آید پس از ایفای نقش در «سرد معبر» و گرفتن جایزه‌های مختلف، الیور استون سفری به ایران داشت و از شما و بازی‌تان به نیکی یاد کرد اما جایگاه فعلی حامد بهداد چقدر خودتان را راضی کرده است؟**

هنوز به آنچه می‌خواهم نرسیدم. همچنان میل به زیستن و رشد در من وجود دارد. اما رشد کردن ترس دارد، در میان همکاران من هستند کسانی که در ابعاد جهانی رشد کردند و فکر می‌کنم نترس هستند. باید بگویم آن‌ها خیلی جسور و شجاع هستند اما شاید من آن جرات را ندارم. شاید بلد نیستم از دایره امنی که برای خودم در حوزه بازیگری ایجاد کرده‌ام، بیرون بیایم. حتی به نظرم دوستانی که در فیلم‌ها و سریال‌های آمریکایی بازی می‌کنند بی‌نهایت برای تجربه ناشناخته‌ها جسارت دارند اما من سعی می‌کنم در همین گوشه امن دست به تجربه‌های متفاوت بزنم.

**شما جزو آن دسته از بازیگرانی هستید که با کارگردانان نسل‌های مختلف همکاری داشتید و اتفاقا تجربیات در خشانی را با نسل‌های مختلف رقم زدید، حتی در جشنواره امسال نیز شاهد این موضوع هستیم. به موازات آن که شما را در فیلمی از کارگردان با سابقه سینما یعنی رضا میر کریمی می‌بینیم در اثری از یک فیلم‌اولی نیز شاهد حضورتان هستیم، آن هم نوعی از حضور و بازی که قابل تامل است. برای رسیدن به خروجی قابل توجه، چه پارامترهایی را برای همکاری با هر یک از این دو نسل به کار گرفتید؟ طبیعتا فضای کاری و ذهنی هر کدام چارچوب خود را دارد و از یکدیگر متفاوت است.**

زمانی که هنوز به این شکل وارد سینما نشده بودم باید در یک بستر امن و با کارگردان‌هایی که دوست‌شان داشتم و در اصطلاح برخاسته از سینمای موج نو پیش از انقلاب بودند، همکاری می‌کردم. اما متوجه این نبودم که زمانه عوض شده است. دریافت‌هایم از زمانه واپس‌گرایانه بود و هنوز فکر می‌کردم آن جریان در سینما وجود دارد، دوست داشتم با آقای تقوایی همکاری کنم اما غافل بودم از این که زمانه جلوی آن نسل را گرفته است، علاقمند بودم با آقای کیمیایی کار کنم اما غافل بودم از این که نسل‌های جدیدی هم وارد سینما شدند و من می‌توانم در کنار آن‌ها رشد کنم. زمان‌بندی‌های یک هنرمند اگر به هم بریزد ممکن است توفیق او نیز دستخوش اتفاقات شده و باز بچه شود. دلم نمی‌خواهد به کار اشتباه اعتراف کنم اما فکر می‌کنم زمان‌بندی‌هایم غلط بوده است.

با بسیاری از کارگردانان تجربه‌های کوچک و یا بزرگی را ثبت کردم مثل آقای کیارستمی، مهرجویی و... اما آن نسلی که شاید بتوانم بگویم در بزنگاهی درست تجربه همکاری‌مان شکل گرفت کسانی بودند مثل حمید نعمت‌الله، محسن قرایی و کارگردانان دیگر! شاید نباید با برخی از کارگردانان کار می‌کردم، شاید این اتفاقات افتاده و خیلی نقد عجیب و غریبی به خودم ندارم. شما که روزنامه‌نگار هستید و می‌توانید از بیرون به مسائل این چنینی نگاه کنید شاید شما بهتر بتوانید ارزیابی کنید. در حال حاضر فکر می‌کنم اگر بتوانم با بچه‌های فیلمسازی که جامعه امروز را به خوبی می‌شناسند و مطالعات به‌روز دارند همکاری کنم، شاید بتوانم خودم را بالاتر از این بکشم. راضی هستم اما شرایط خطرناک است؛ ممکن است نتوانی خوب ادامه دهی، ممکن است از دور خارج شوی، خسته شوی و یا حتی دیگر روی بورس نباشی!

**اما همکاری با فیلم‌اولی‌ها به نوعی ریسک به حساب می‌آید چرا که شاید نتیجه در خشان نشود به هر حال همه فیلم‌اولی‌ها هم پدیده نمی‌شوند!**

نمی‌شود دست روی دست گذاشت. به نظرم در مورد فیلمنامه «جان دار» تشخیص تهیه‌کننده پروژه درست بود. از ابتدا مشخص بود فیلمنامه پتانسیل بالایی دارد حتی همان زمانی که با پدram پورامیری و حسین امیری دوماری صحبت می‌کردم مشخص بود که این دوازده استعداد‌های آینده سینمای ایران هستند و من معتقدم آینده خوبی در انتظار آن‌هاست.

**اما خودتان از محسن قرایی گفتید، به نظرم پس از سال‌ها هیاهویی که در سینما به پا کردید چند سالی را در سکوت آهسته و پیوسته پیش رفتید تا این که با «سرد معبر» شاهد ورود حامد بهداد به فاز دیگری بودیم؛ شاید به نوعی بزنگاهی برای پختگی بیشتر!**

می‌تواند این‌طور باشد که شما می‌گویید. اما به نظرم این‌ها هیچ‌کدام از یکدیگر سبقت نمی‌گیرند، مثلاً این امکان وجود ندارد که کسی اول پخته شود و بعد یک فیلم به او پیشنهاد شود؟ به نظرم همه این‌ها باهم به پست هم می‌خورند. به موازات گذر از رنج‌ها و رسیدن به پختگی، فیلمی به تو پیشنهاد می‌شود که این پختگی در آن اثر نمود پیدا می‌کند. همه هنرمندان از بازیگر و نویسندگان گرفته تا خوانندگان و موسیقیدان‌ها این تلورانس را تجربه می‌کنند. به نظر من پختگی و بلوغ از زندگی به یک انسان می‌دهد نه یک فیلم! منبع و منشأ بلوغ و پختگی، زندگی است. سر بزنگاه ممکن است با یک کارگردان درجه‌یک کار کنی